

آثار اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر بازار سرمایه به روش AHP

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۸

محمدنقی نظرپور*

روح‌اله عبادی**

فاطمه بنی‌جمالی***

چکیده

در چارچوب اقتصاد مقاومتی، توجه به سیاست‌های حمایتی اقتصادی، استقلال، نفوذناپذیری، تطابق با معیارهای بومی و فرهنگی کشور و انعطاف‌پذیری در اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد. لذا تعامل سازنده بین بخش‌های مختلف اقتصادی بر مبنای شناسایی فشارها و تکان‌های داخلی و خارجی و در راستای بهره‌گیری از تعامل متقابل بین ارکان اقتصادی شکل می‌گیرد. بازار سرمایه به موازات بازار پول و بازار اطمینان (بیمه) نقش مهمی در تأمین منابع مالی اقتصاد داخلی ایفاء می‌کند. با توجه به وجود تحریم‌ها و کمبود نقدینگی در کشور، مقاوم بودن بازار سرمایه بی‌تردید به مقاوم بودن اقتصاد کمک شایانی می‌کند. از مهم‌ترین وظایف بازار سرمایه در نظام مالی اسلامی کشور، تخصیص بهینه منابع مالی، کاهش هزینه‌های معاملات، سرعت بخشیدن به معاملات، افزایش توان نقدشوندگی دارایی‌ها، تسهیل فرآیند تأمین منابع مالی برای بنگاه‌های اقتصادی، ارزش‌گذاری منصفانه دارایی‌های بنگاه‌های اقتصادی بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا، شفاف‌سازی اطلاعات و نظارت بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد. با توجه به مشکل تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی در کشور و ارتباط مستقیم بازار سرمایه با برخی از بندهای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و نقش این بازار در هدایت سرمایه‌های محدود و غیرکارآ به بخش‌های تولیدی و مولد کشور و تسهیل فرآیند انتقال سرمایه به این بخش‌ها در این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای، روش AHP و با به کارگیری شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، فرضیه «بازار سرمایه به طور مثبت و اثرگذار می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفای نقش می‌نماید» بررسی و تأیید شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، بازار سرمایه، سیاست‌های ابلاغی، روش AHP

طبقه‌بندی JEL: P49, O16, G20

nazarpur@mofidu.ac.ir

ebadi.ro@gmail.com

mahrokh.banijamali@gmail.com

* دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه مفید (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

*** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه مفید

مقدمه

تشخیص و تلاش برای کنترل و بی اثر کردن حوزه‌های فشار و اعمال مدیریت عقلانی و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشور با استفاده از مردمی کردن اقتصاد، اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، استفاده از توانمندی‌های بخش خصوصی، افزایش ثروت ملی و صیانت از آن، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و مدیریت مصرف و استفاده از ظرفیت و امکانات داخلی کشور از مشخصه‌های اصلی الگوی اقتصاد مقاومتی است. همانند تمامی اقتصادهای متعارف جهان شامل اقتصاد متکی بر منابع، اقتصاد کارآیی محور و اقتصادهای پیشرفته نوآوری محور که هدف اصلی همه آنها دستیابی به رشد است، هدف اصلی اقتصاد مقاومتی نیز دستیابی به رشد پایدار تعیین شده است. از این رو سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی جهت رفع ضعف‌های نهادی موجود تدوین شده‌اند. با ابلاغ این سیاست‌ها، نه تنها دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در بالاترین سطح نظام تصمیم‌گیری کشور به عنوان هدف مورد تأکید قرار گرفته بلکه دو ویژگی درونزایی و برونگرایی برای رشد اقتصادی آینده نیز در آن ذکر گردیده است.

اقتصاد مقاومتی با سه توانایی تعریف می‌شود، توانایی بازیابی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم، توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکانه‌ها یعنی جذب شوک و توانایی اجتناب از شوک (دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳). از این رو اقتصاد باید از سازوکارهایی برخوردار باشد که اثرات شوک‌ها را کاهش دهد (Briguglio, 2012, pp.183-206).

بدون شک اقتصاد مقاومتی یک مدل پویاست و نه یک مدل ایستا. این الگو به دنبال رفع موانع توسعه و تلاش برای بهبود سطح اقتصادی است که این جز با تدوین راهبردهای بلندمدت در حوزه نظری و کاربردی و طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر اقتصادی محقق نخواهد شد (Shahab & Delvari, 2015, p.387).

از این رو نظام اسلامی به سبب کارکرد و اهداف دارای ماهیت اقتصاد مقاومتی است و در نتیجه نیازمند نهادهایی است تا این اهداف را پوشش دهند. اجرای

سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیازمند تدوین و تصویب قوانین و دستورالعمل‌های مورد نیاز از سوی مسئولان و بحث و بررسی کارشناسی از جانب نخبگان علمی و دانشگاهیان به منظور طراحی الگوهایی در زیر بخش‌های مختلف اقتصادی به منظور پیاده‌سازی سیاست‌های کلی می‌باشد.

از جمله زیر بخش‌های اقتصادی که به عنوان مکمل بخش واقعی در اقتصاد مطرح می‌شود، بخش مالی است که از بازارهای پول^۱، سرمایه^۲ و بیمه^۳ (اطمینان) تشکیل شده است. بازارهای مالی با کارکردهایی همچون تجهیز و تخصیص بهینه منابع، مدیریت و انتقال ریسک و غیره به عنوان موتور محرکه اقتصاد در جهت فراهم کردن سرمایه برای بخش واقعی اقتصاد، شناخته می‌شوند. بازار سرمایه با توجه به نقش‌های تأثیرگذار از جمله جهت‌دهی منابع مالی به طرح‌های سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت تولید و رشد اقتصادی، با عنوان قلب تپنده اقتصاد از آن یاد می‌شود.

بازار سرمایه این قابلیت را دارد که با دریافت نیازهای تأمین مالی از بخش‌های مختلف اقتصادی منابع در دسترس خود را برای رفع این نیازها تجهیز نماید. از سوی دیگر می‌توان به ظرفیت به وجود آمده در بازار از جمله زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات در بازار، ظرفیت نهادهای خود انتظام از جمله بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس ایران، بورس کالای ایران و بورس انرژی و نهادهای متنوع مالی مانند شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ابزارهای مالی اسلامی متنوع که پس از تصویب قانون بورس اوراق بهادار با همت سازمان بورس و فعالان بازار ایجاد شده‌اند زمینه را در جهت حداکثر کردن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی فراهم آورد. همچنین مجموعه نهادها و بورس‌های کشور با توجه به هدف مشارکت آحاد مردم در سرمایه‌گذاری می‌بایست در جهت تأمین مالی شرکت‌ها در عرضه اولیه و نیز دادوستد در بازار ثانویه تشکیل و تقویت شوند. به‌علاوه برای پررنگ کردن فعالیت و کاستن از ریسک در بازارهای اولیه و ثانویه تمهیداتی از جمله به کارگیری مشتقات مالی نظیر اختیارات معامله و قراردادهای آتی در بورس اوراق بهادار و بورس‌های کالایی بایستی مدنظر قرار گیرد.

از سوی دیگر یکی از عواملی که در بندهای اقتصاد مقاومتی در جهت رشد بهره‌وری بر آن تأکید شده است، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد می‌باشد. سازوکار بورس اساساً به منظور رقابت‌پذیری ایجاد شده است و در ذات خود این خاصیت را دارا می‌باشد. همچنین بازار سرمایه می‌تواند با تقویت دو بورس مهم کالا و انرژی که به منظور عرضه و تقاضای کالا و انرژی هستند، موجب تقویت رقابت، افزایش شفافیت و کاهش انحصار در عرضه و تقاضا و در نهایت کشف قیمت شوند. قانون اجرای هدفمندی یارانه‌ها با هدف افزایش تولید و اشتغال و بهره‌وری ابلاغ و اجرا گردیده است و اقتصاد مقاومتی آن را به عنوان یک فرصت برای اقتصاد مورد تأکید داشته است. وجوه مازادی را که به افراد مشمول بابت هدفمندی یارانه‌ها اختصاص می‌یابد بازار سرمایه می‌تواند سازماندهی کرده و با ارائه محصولات متنوع خود به آنان باعث افزایش ثروت ایشان گردد و از سوی دیگر، نیروی جدید برای چرخش نظام تأمین مالی کشور بیافریند (کوند و فراهانیان، ۱۳۹۳، ص ۳).

با توجه به اهمیت بازار سرمایه و ضرورت توسعه کمی و ارتقا کیفی بازار سرمایه و توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از تولید داخلی و نظام مالی در ارتقای جایگاه و نقش بازار سرمایه، در این پژوهش با توجه به ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، بخش‌های مختلف اقتصادی باید نقش خود را در پیاده‌سازی سیاست‌های کلی ایفا نماید. با توجه به نقش انکارناپذیر بازار سرمایه در اقتصاد مقاومتی، ضروری است بازار سرمایه خود را با اقتصاد مقاومتی تطبیق داده و بتواند در مقابل بحران‌ها خود را مقاوم سازد. از سوی دیگر بررسی اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در بازار سرمایه و تغییر و تحولات ناشی از آن نیز می‌تواند در توجه به این بازار و توسعه و تکامل آن نقش اساسی ایفا نماید.

از این رو در این پژوهش با بررسی تأثیر بندهای اقتصاد مقاومتی بر بازار سرمایه و بررسی نقش گسترش اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از تولید داخلی، حمایت همه جانبه از نظام مالی، توانمندسازی نیروی انسانی، تأثیر مردمی کردن بازار سرمایه و شفاف‌سازی اقتصاد به عنوان شش عنصر تأثیرگذار بر بازار سرمایه و شیوه‌های اثرگذاری آنها به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ای و به روش AHP

مهم‌ترین عامل مؤثر بر اقتصاد مقاومتی از میان عوامل ذکر شده را معرفی و به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «بازار سرمایه به طور مثبت و اثرگذار می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفای نقش نماید». نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد.

۱. پیشینه تحقیق

اسکو و سلطانی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای افزایش مشارکت مردم در بازار سرمایه کشور» با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته است که امروزه، مشکل اصلی توسعه اقتصادی کشور کمبود سرمایه است. پس‌انداز به عنوان منبع اصلی سرمایه در بورس اوراق بهادار، نقش بسیار مهم و مؤثری را در تحقق اهداف این سازمان ایفاء می‌نماید، یکی از منابع عرضه پس‌انداز به بورس اوراق بهادار، خانوارها و اشخاص حقیقی می‌باشند که بخش عظیمی از بازار بورس را از آن خود کرده‌اند، از این رو تحلیل رفتار سرمایه‌گذاران در ادبیات مالی مدت‌هاست براساس نظریات کلاسیک (نظریه مطلوبیت اقتصادی، ۱۹۴۷) توسعه داده شده و تفسیر می‌شود.

سیدین و قلی‌پور (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بازار سرمایه نیروی محرکه توسعه اقتصادی در نظام تأمین مالی کشور» با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته است که کشورهایی که بخش مالی آنها از عمق کمتری برخوردار است، منابع مالی در آنها به صورت کارا بین نیازها تخصیص نمی‌یابد یا در مواقعی این کشورها با مشکل در دسترس نبودن ابزارهای تأمین مالی مناسب مواجه می‌شوند که در این صورت منابع کافی جمع‌آوری نمی‌شوند.

ناجی‌میدانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر ساختار بازار سرمایه بر رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصاد ایران» به روش تحلیلی و آزمون‌های اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به این موضوع پرداخته است که آثار بالقوه توسعه سیستم مالی جهت تشویق توسعه رشد اقتصادی بیش از یک قرن است که توجه اقتصاددانان و ذهن سیاست‌گذاران کلان اقتصادی را به خود معطوف کرده است. در این میان اثر نقش ساختار بازار مالی در رشد اقتصادی بخش‌های مختلف یک اقتصاد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده است با بررسی اثر مالکیت دولتی

بانک‌ها و بانک‌محور بودن سیستم مالی به عنوان دو مشخصه مهم ساختار بازار سرمایه در اقتصاد ایران، نقش آنها در رشد متوازن و یا نامتوازن بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و ساختمان برجسته نماید. نتایج حاصل گویای آن است که بانک‌محور بودن نظام مالی اثری منفی بر رشد بخش کشاورزی و بخش مسکن و ساختمان در ایران داشته و بر رشد بخش‌های صنعت و معدن و خدمات اثر معنی داری نداشته است. به علاوه شاخص مالکیت دولتی بانک‌ها بر رشد تمامی بخش‌های اقتصاد ایران اثری منفی داشته است به جز نقش ساختمان و مسکن که نتوانسته اثری معنی داری بر رشد آن داشته باشد.

صفا و صفارزاده (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «عزم ملی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مدیریت جهادی و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی» با استفاده روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته است که بازار سرمایه ایران با ۴۰ صنعت فعال و عمده تولیدات پایه‌ای، یک بورس متنوع است. صنعت سیمان، فلزات، دارو، غذا، ارتباطات، پالایشگاه، پتروشیمی و... از جمله صنایع پایه‌ای هستند که در بورس حضور و عضویت دارند. نگاهی به وضعیت سایر بورس‌های منطقه با بورس تهران به روشنی نشان می‌دهد که هیچ بورسی در خاورمیانه نیست که این تعداد صنعت با چنین گستردگی و تنوعی در اقتصاد ملی‌شان در بورس‌شان عضو باشند، بنابراین به منظور ایجاد عزم ملی، مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی، کمک به ارتقای کیفیت تولید شرکت‌ها و رشد حجم تولیدات آنهاست، تا در نهایت این فرآیند، باعث جذب سرمایه به بورس و کل اقتصاد شود. در نهایت به این نتیجه دست یافته است که کاهش یا حذف ورود و مداخلات دستگاه‌های دولتی در قیمت‌گذاری‌های دستوری یکی دیگر از پیش شرط‌های تحقق اقتصاد مقاومتی و تمرین رقابت در واحدهای تولیدی است. این مقاله با هدف ارائه راهکارهای اجرایی به منظور آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی و حمایت از آن در راستای تقویت بازار سرمایه ایران است.

لاتی و رضائی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی راهکاری جهت توسعه اقتصادی در شرایط تحریم» با استفاده روش تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته است که با توجه به اینکه هیچ پیشینه نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی

در دسترس نمی‌باشد و اگر هم باشد در طبقه‌بندی‌های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد؛ مسأله اقتصاد مقاومتی باید از سوی مسئولان و طرح‌ریزان اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد تا بتواند آخرین حربه‌های غرب برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبرو کند.

محنت‌فر و رحیمی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ در تحقق اقتصاد مقاومتی» با استفاده روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته است که خصوصی‌سازی به کارگیری ایده‌ها و اندیشه‌های جدید و فناوری پیشرفته در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی با ایجاد زمینه حضور فعالان اقتصادی است. در حقیقت خصوصی‌سازی بخشی از فرآیند اصلاح بازسازی و تغییر نظام اقتصاد دولتی از طریق تغییر شبکه توزیع و کنترل منابع اقتصادی از سویی و بازننگری درسیستم باز توزیع ثروت‌های ملی در جهت افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی از دیگر سو است. در شرایط فعلی اقتصاد ایران انتظار می‌رود که دولت یا توجه به دستور مقام معظم رهبری در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و برای تسریع در انجام واگذاری بخش‌های مختلف اقتصادی به بخش خصوصی در راستای اهداف برنامه چهارم و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی گام مثبتی در جهت شکوفایی اقتصادی کشور با تأکید بر افزایش رشد اقتصادی کاهش میزان بیکاری و جلوگیری از هزینه‌های مضاعف بردارد در مسیر تحقق رشد اقتصادی متوازن و پایدار که توان مقابله با تهدیدهای مختلف را دارا باشد تنها با حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی امکان‌پذیر است.

مرادی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش بازار سرمایه در توسعه اقتصاد مقاومتی آن» با استفاده روش تحلیلی-توصیفی به این موضوع پرداخته است که طراحی ساختارها و نهادهای متناسب با اصول و اهداف نظام اسلامی دغدغه‌ای است که همواره فرا روی اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی بوده است. توسعه بازار سرمایه به پیاده‌سازی این زیرساخت‌ها کمک می‌کند. نتایج نشان می‌دهد نقش بازار سرمایه در جذب سرمایه خرد از سطح جامعه و هدایت آن به سمت بازار تولید، منبعی مطمئن برای تأمین سرمایه شرکت‌های تولیدی داخلی، برگزاری مجامع سالانه و کمک به

شفافیت اقتصادی از کارکردهای بازار سرمایه در پیاده‌سازی الگوی اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

نظریور و لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این موضوع پرداخته است که در چند سال اخیر بحثی با موضوع «اقتصاد مقاومتی» به منظور مقابله با فشارها و تهدیدهای اقتصادی جبهه استکبار علیه کشورمان، از سوی مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. در واقع هدف از طرح این موضوع دستیابی به اهداف اقتصادی چشم‌انداز بیست ساله کشور در شرایطی که کشور با انواع فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها مواجه است به گونه‌ای که اقتصاد مستمراً رشدی درون‌زا، با ثبات و پایدار خود را تجربه و دچار رکود نگردد. برای دستیابی به چنین رشدی که می‌تواند از طریق افزایش نرخ پس‌انداز، نرخ سرمایه‌گذاری و هدایت بهینه نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی، صورت پذیرد، اهمیت بازارهای مالی بیش از پیش روشن می‌گردد که چگونه و از چه طریقی می‌توانند بخش واقعی اقتصاد را در دستیابی به اهداف خود یاری کنند. مقاله به منظور برداشتن گامی مؤثر در ارائه روش‌هایی برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به روشی توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع معتبر موجود و براساس یافته‌های پژوهش نشان داده است، بورس اوراق بهادار از طریق تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، واگذاری بنگاه‌های دولتی در قالب عرضه سهام حمایت از تولید، عرضه کالاهای استراتژیک در بورس تخصصی کالا و بین‌المللی شدن خود در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش بسزایی دارد.

وجه تمایز این تحقیق این است که در چارچوب بندهای اجرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مسیرهایی که این سیاست‌ها می‌تواند بر بازار سرمایه تأثیر بگذارد به مؤلفه‌هایی از اقتصاد مقاومتی که با کارآمد کردن بازار سرمایه منجر به دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی شوند، اشاره نموده و با به کارگیری روش AHP و به روش پرسشنامه‌ای از کارشناسان بازار سرمایه و محققان اقتصاد اسلامی مؤثر بودن هر یک از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی پرسش شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. نقش حمایت از نظام مالی (بازار سرمایه و پول) در تحقق اقتصاد مقاومتی

به طور کلی در مباحث متعارف علم اقتصاد، اقتصاد هر کشور را به دو بخش واقعی^۴ و مالی^۵ تقسیم می‌کنند، به گونه‌ای که این دو بخش همزاد و قرینه یکدیگر می‌باشند (عیسوی، ۱۳۸۹، ص ۵۳ و عبده تبریزی و رادپور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶) و بخش مالی در واقع، مکمل بخش واقعی اقتصاد است. بخش واقعی اقتصاد از یکسو، بیانگر جریان کالاها و خدمات از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و از سوی دیگر، جریان نیروی انسانی از جانب مصرف‌کنندگان (عرضه‌کنندگان)، به سمت تولیدکنندگان است. بخش مالی اقتصاد نیز شامل جریان وجوه، اعتبارات و سرمایه از ناحیه دارندگان و عرضه‌کنندگان (پس‌اندازکنندگان)، مؤسسات اعتباری و مالی و صاحبان سرمایه به سوی تقاضاکنندگان وجوه و اعتبارات، یعنی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان کالاها، خدمات و یا دولت است. لازمه یک اقتصاد پویا و سالم این است که این دو بخش، همگام با یکدیگر رشد یابند و حرکت نمایند. نتیجه این همگامی و همسویی، رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود (عبده تبریزی، ۱۳۸۳، صص ۲-۶)؛ زیرا طبق نظریه‌های اقتصاد کلان، انباشت سرمایه فیزیکی یکی از شرایط لازم برای رشد اقتصاد ملی به حساب می‌آید. به عبارتی دیگر، به کارگیری مطلوب نیروی کار در فرآیند تولید، تا حد زیادی به میزان سرمایه موجود بستگی دارد و انباشت سرمایه در تعیین میزان افزایش ستانده کل و ستانده سرانه نیروی کار نقش مهمی ایفا می‌نماید. طوری که بسیاری از مطالعات اقتصادی، تأیید می‌کنند که در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه می‌شود. از این رو، بازارهای مالی نیز به این منظور شکل گرفته‌اند که، بخش مالی اقتصاد قادر باشد وظیفه خود، یعنی جریان یافتن وجوه، اعتبارات و سرمایه از ناحیه پس‌اندازکنندگان، مؤسسات اعتباری و مالی و صاحبان سرمایه به سوی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان کالاها، خدمات و یا دولت را به درستی ایفا نماید.

در واقع نقش بازارهای مالی و ارتباط آنها با هم، نزدیک و همسو کردن پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران می‌باشد. به گونه‌ای که بتوان وجوه را از واحدهای دارای مازاد پس‌انداز به واحدهای دارای کسری پس‌انداز انتقال داد و این امر، باعث

فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌شود. بنابراین، اگر اقتصادی فاقد بازارهای مالی پویا باشد و یا از بازارهای مالی ضعیفی برخوردار باشد، امکان تحقق سرمایه‌گذاری‌های مولد در سطح وسیع در آن وجود ندارد.

دو بازار سرمایه و پول فراهم کننده کانال‌هایی جهت گردش دارایی‌های مالی هستند، لذا تنها با تقویت ارتباط میان دو بازار و تضمین توسعه مشترک آنها، می‌توانیم کارایی نظام مالی را افزایش دهیم. بازار پول و سرمایه می‌توانند در جایگاه دو بازار رقیب که در جذب اعتبارات با یکدیگر رقابت می‌کنند ظاهر شوند یا اینکه تعامل سازنده آنها با یکدیگر منجر به هدایت صحیح اعتبارات به سمت اقتصاد واقعی شود (Bragues, 2014, p.148). این دو بازار محل اتصال عرضه‌کنندگان و متقاضیان سرمایه و جوه مالی هستند و در نتیجه توسعه و ارتباط کارایی بین این دو بازار به تضمین عملیات تولید و مصرف جوه مالی که به معنی عملکرد مناسب بازارهای مالی است می‌انجامد (Cuixia, 2011, p.63).

دراقتصاد اسلامی همانند اقتصاد سنتی همکاری و ایجاد تعامل بین بازارها و نهادهای مالی (بازار سرمایه و نظام بانکی) به عنوان یک ضرورت مطرح می‌باشد. در واقع این تعامل شرایط را برای استفاده از ظرفیت‌ها آشکار و پنهان متقابل به منظور تعمیق و افزایش کارایی بازار متقابل را فراهم می‌کند.

بورس اوراق بهادار به عنوان رکن اصلی بازار سرمایه، از آن چنان اهمیتی در سیستم‌های اقتصادی پیچیده امروزی برخوردار است که از آن به عنوان وسیله سنجش سلامت و یا بیماری اقتصاد کشورها نام برده می‌شود. بورس اوراق بهادار و مکانیزم‌های اجرایی آن به چنان درجه‌ای از تکامل رسیده‌اند که بدون سود بردن از آنها شاید نتوان به هیچ یک از اهداف سیاست‌های پولی، مالی، و تولیدی دست یافت. علاوه بر این بورس اوراق بهادار این امکان را ایجاد می‌کنند که بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری پرتفوی‌های خود را متنوع سازند و بنابراین خطر مولد بودن را کاهش دهند (مکسول، ۱۳۹۰، ص ۹۰) به این معنی که از ایجاد بحران و سرایت آن به سایر بخش‌های نظام بانکی جلوگیری به عمل می‌آورد. کشورهای مختلف (از جمله کشورهای اسلامی) با توجه به تغییر و تحولات سیستم‌های اقتصادی خود و گسترده‌تر شدن حجم و نوع

فعالیت‌های این نهاد اساسی به طرق مختلف در تقویت آن کوشیده‌اند. بورس اوراق بهادار با خاصیت نقدشوندگی، تنوع ریسکی، کسب اطلاعات در مورد شرکت‌ها، کنترل اجزا و تجهیز پس‌اندازها می‌تواند بر رشد مالی و رشد اقتصادی اثر گذارد.

در واقع بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) به صورت سیستماتیک به دلیل نوع کارکرد خود اقدام به ایجاد و انتشار یک‌سری اطلاعات می‌نماید، که از جمله آن کشف قیمت، مدیریت وجوه، بهبود غربال و ام‌گیرنده می‌باشد. در طرف مقابل نظام بانکی در اقتصاد اسلامی به دلیل ملزم بودن به ورود به بخش واقعی اقتصاد همانند بازار سرمایه، می‌تواند از ظرفیت‌های ایجاد شده توسط بازار سرمایه در جهت افزایش کارایی و کارکردهای خود استفاده نماید. علاوه بر این نظام بانکی به صورت ساختاری می‌تواند برای رفع نواقص و تقویت نقاط قوت خود از ظرفیت‌های بازار سرمایه استفاده کند. بنابراین در اقتصاد اسلامی بازار سرمایه به طرق زیر با نظام بانکی در تعامل است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که عمده توجه به اقتصاد مقاومتی از طریق تأمین مالی مناسب بخش‌های مختلف اقتصادی است که در این راستا نقش بازار سرمایه و بازار پول برجسته است.

نحوه عملکرد نظام بانکداری اسلامی، که برحسب طبیعت و ذات آنها ضرورت دارد، که عمده منابع مالی آنها در شکل سرمایه (نه قرض) در عملیات بانکی مورد استفاده قرار گیرد از یک طرف و مشابهت نظام بانکداری اسلامی با عملیات بازار سرمایه در تجهیز منابع پولی و مالی جامعه از طرف دیگر، نقش بسزایی در رونق بازارهای مالی و گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش راندمان و کارایی این بازارها خواهد داشت. این سیستم از دو طریق، سازوکار جذب سپرده‌ها و اعطای اعتبارات و تسهیلات به روش‌های مختلف، باعث تحول بازار سرمایه و در نهایت کارایی این بازار، رونق و رشد اقتصادی خواهد شد. در طرف مقابل نیز، فعالان بازار سرمایه می‌توانند از اوراقی که براساس عقود و تسهیلات اعطا شده توسط بانک‌ها منتشر شده، در جهت تأمین مالی خود برآیند. کارگزاران می‌توانند با پرداخت وثیقه و یا اوراق بهادار خود به بانک و یا مؤسسات اعتباری، تسهیلات دریافت کنند و به سرمایه‌گذاری در بازار

سرمایه (و حتی بازار پول) بپردازند. این تعامل بین بازار سرمایه و بازار پول می تواند به روش های ذیل صورت پذیرد.

۲-۲. گسترش اقتصاد دانش بنیان از طریق بازار سرمایه

توجه به اقتصاد دانش بنیان در زمینه های مختلف اقتصادی و صنعتی می تواند باعث بهروری و کاهش هزینه ها و افزایش درآمد گردد. از آنجا که شرکت های بزرگ که غالباً دارای سهام در بورس نیز می باشند، می توانند با سرمایه گذاری در این جهت و با به کارگیری دانش های نوین و به روز در بازار سرمایه سودده باشند و علاوه بر اینکه بازار سرمایه را توسعه دهند با ایجاد خوشبینی در بین آحاد مردم جامعه زمینه را برای فراهم آوردن مشارکت بیشتر تحقق بخشند. همچنین سبب ایجاد شرکت های دانش بنیان کوچک در کنار خود شوند، به طوری که در آینده خود این شرکت ها می توانند تبدیل به شرکت های بزرگی در بازار بورس شوند.

سازمان بورس از طریق ایجاد بازار دارایی های فکری در فرابورس ایران، زیر ساخت لازم برای عرضه و تقاضا و نیز شفافیت اطلاعاتی در زمینه خرید و فروش و واگذاری علوم دانش بنیان از جمله حق اختراع، علائم تجاری و... را فراهم نموده است. در کنار این بازار، نهادهای مالی واسط مرتبط با آن نیز امکان مشارکت فعال خواهند یافت. به عنوان مثال، صندوق های سهامی خاص و شرکت های سرمایه گذاری مخاطره پذیر یا سرمایه گذاری های میانی در این عرصه، امکان حضور فعال خواهند یافت. در همین ارتباط، دستورالعمل بازار ایده ابلاغ شده و فرابورس آماده انجام اولین معامله ایده در بازار سرمایه است. بازار ایده ظرفیت بالایی برای اتصال دانشگاه و صنعت دارد که جوانان و مبتکران می توانند نوآوری های خود را در این بازار درج کنند و در معرض عرضه موقت یا دائم قرار دهند. همچنین نهادهای جدید مالی مانند شرکت های تأمین سرمایه و شرکت های مشاوره سرمایه گذاری می توانند به منظور تجاری سازی علوم دانش بنیان در زمینه تأمین مالی تجاری سازی آن مشاوره ارائه نمایند (کاوند و فراهانیان، ۱۳۹۳، ص ۳).

شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مبتنی بر ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۹۱ هیأت وزیران این‌گونه تعریف می‌گردد.

شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان که در زمینه «گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری» و «تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالا» فعالیت می‌نمایند، شرکت یا مؤسسه دانش‌بنیان محسوب می‌شوند.

با توجه به جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بند ۲)، لازم است به کارکرد و نقش این شرکت‌ها توجه ویژه‌ای شود. از این رو بحث تأمین مالی این شرکت‌ها به دلیل نوپا بودن و همچنین سروکار داشتن با قشر تحصیل کرده و جوانی که عمدتاً از منابع مالی کافی برای راه‌اندازی این شرکت‌ها برخوردار نیستند اهمیت می‌یابد. البته در قوانین مصوب برای تأمین مالی این شرکت‌ها، راه‌اندازی صندوق نوآوری و شکوفایی در نظر گرفته شده است. با این حال در نظر گرفتن یک منبع تأمین مالی آن هم به صورت محدود برای شرکت‌هایی که با توجه به رسالت خود می‌خواهند بنیان اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور از طریق تولید علم و دانش باشند، نمی‌تواند آنان را در راستای تحقق اهداف محوله یاری نماید.

از سوی دیگر ارائه و معرفی ابزارها و نهادهایی برای فراهم آوری منابع مالی مطمئن و بلندمدت به منظور توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان ضرورت می‌یابد. بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) به عنوان بازاری بلندمدت از نظر سررسید دارایی‌های مالی می‌تواند در کنار نظام بانکی و صندوق نوآوری و شکوفایی در تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان به منظور نهادینه کردن علم و اختراعات در جامعه و همچنین معرفی شرکت‌ها به عموم جامعه از طریق مشارکت مردم، نقش ویژه‌ای داشته باشد.

بنابراین اقتصاد دانش‌بنیان یک ضرورت برای پیشرفت و پیروزی رقابت اقتصادی برای هر کشوری می‌باشد. وقتی صحبت از اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود، در واقع نقطه انتهایی سیر دانش و علم در آن جامعه است، یعنی پرداختن به علم در جهت تبدیل آن به ثروت شدن و در نتیجه فراهم آوردن رفاه و آسایش برای آن جامعه. در جدول ذیل

ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان در بازار سرمایه به طور خلاصه بیان شده است.

جدول (۱): ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان در بازار سرمایه

ظرفیت‌ها در بازار سرمایه	برخی از ویژگی‌ها	اقتصاد دانش‌بنیان
۱. ارتباط با بازار بورس و فرا بورس؛	۱. تبدیل دانش به کالا؛	
۲. تأمین مالی بخش‌های اقتصادی؛	۲. ارزش‌مندی خلاقیت و ابتکار؛	
۳. قابلیت سودآوری پایدار؛	۳. فراگیر بودن؛	
۴. توسعه کمی و کیفی بازار سرمایه.	۳. سهم قابل توجه در تولید سرانه ملی؛	
	۴. اهمیت دانش و تفکر.	

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۲. حمایت از تولید داخلی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، تکیه بر منابع داخلی از مادی و انسانی، رهایی از ساختارهای تک محصولی و تأمین همه نیازها از منابع داخلی، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح اقتصادی و مدیریت مصرف است. در نتیجه آنچه که جامعه را از لحاظ اقتصادی به استقلال رسانده و از وابستگی به دیگر جوامع رها می‌کند، افزایش تولیدات داخلی و مدیریت درست مصرف است.

۲-۳-۱. اهمیت حمایت از تولید داخلی

با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تأکیدات مقام معظم رهبری بر اهمیت تولید ملی در تحقق این سیاست‌ها و توجه به رشد سرمایه‌گذاری داخلی، فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی، فراهم کردن زمینه برای بالندگی و حضور مؤثر بخش خصوصی قدرتمند و توانمند، عملیاتی نمودن راهبردها و قانون بهبود فضای کسب و کار، توجه به مرغوبیت و کیفیت تولید داخلی، توجه به مصرف کالاهای داخلی که مشابه خارجی دارند، لزوم نوآوری، ابتکار و روزآمدی در تولیدات کشور، اتمام طرح‌های نیمه تمام، اجرای کامل سیاست‌های حمایتی از تولید، معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی، برنامه‌ریزی برای رشد بخش تعاون، رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و... که این‌ها تنها بخشی از مطالبات کلان رهبری در حوزه

تولید کشور می‌باشد که در ادبیات اقتصاد مقاومتی نقش بسته است. می‌طلبد که مسئولین نظام اقتصادی به این مهم توجه جدی و همه‌جانبه داشته باشند تا اهداف اقتصادی بر مبنای سند چشم‌انداز بیست ساله در اقتصاد ایران محقق شود.

۲-۳-۲. ارتباط بازار سرمایه و تولید داخلی

با توجه به چالش‌های موجود و لزوم تکیه بر منابع مالی داخلی در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای خروج از مشکلات فعلی، به نظر می‌رسد که راهکار مناسب، نوآوری در تولید محصولات مالی به منظور هدایت پس‌اندازهای مازاد مردم (استفاده از ظرفیت منابع مردمی) به سمت بخش واقعی اقتصاد (بخش تولید) و نه بخش‌های سفته‌بازانه که هیچ تأثیری در تولید ملی ندارند، می‌باشد. اگر بتوان با ایجاد اطمینان خاطر برای مردم نسبت به بازدهی بخش‌هایی از صنعت و کشاورزی در کشور، منابع آنها را به سمت طرح‌های دارای مزیت نسبی در کشور هدایت کرد، هم می‌توان مشکلات نظام تولید را برطرف کرد و هم از هدایت منابع نقدینگی به سمت بازارهایی که تأثیری در تولید ملی ندارند جلوگیری نمود و هم در بازدهی‌های مناسب اقتصادی مردم را مشارکت داد. بازار سرمایه در کشور ما از مهم‌ترین منابعی است که تنوع و توسعه در ابزارهای مالی آن قادر است وظیفه مهم تأمین مالی را به عنوان مهم‌ترین دغدغه نظام تولید حل کند.

یکی از مهم‌ترین مسائل اثرگذار بر تأمین مالی در بازار سرمایه، وجود شرایط مناسب برای تأمین مالی بنگاه‌هایی است که ذیل بنگاه‌های بزرگ طبقه‌بندی می‌شوند و به نوعی در ظرفیت کامل خود و در صنایع مشخص بزرگ و مادر فعالیت دارند و به عکس بنگاه‌هایی که جزو بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند و از نظر شرایط مالی در وضعیت مناسبی قرار ندارند، اما با حل مشکلات تأمین مالی می‌توانند جزو بنگاه‌های رشدی و مزیت‌دار باشند و رشد اقتصادی کشور را بهبود بخشیده و به اشتغال کشور کمک نمایند، شرایط و محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای برای تأمین مالی آنها از طریق بازار سرمایه وجود دارد. جهت تأمین مالی مناسب بخش‌های مختلف اقتصادی و اثرگذاری آن در تقویت تولید داخلی باید به نکات ذیل توجه نمود:

تجهیز منابع (تأمین مالی) در بازار اولیه برای پروژه‌های ملی با بازدهی اقتصادی مناسب و شرکت‌های در مرحله تأسیس یا در حال فعالیت، که برخی از آنها استانداردهای لازم برای پذیرش به عنوان شرکت‌های بورسی را نداشته‌اند، از جمله مسائلی است که بر تأمین مالی اثرگذار بوده است. این مسأله سبب افزایش گردش نقدینگی و تأمین مالی برای شرکت‌های حاضر در بازارهای ثانویه و به شکلی برای شرکت‌های بزرگ موجود در بازار سرمایه که عمدتاً در مرحله بلوغ و اشباع می‌باشند، شده است. به عبارتی ریسک بالاتر برای فعالیت برخی بنگاه‌های کوچک و متوسط که در حال حاضر ممکن است شرایط مناسبی نداشته باشند، اما با حل مشکل تأمین مالی می‌توانند به پیشرفت قابل توجهی دست یابند، باعث شده است که از پتانسیل بازار سرمایه بی‌بهره باشند. توجه به ویژگی‌های متفاوت شرکت‌ها و بهبود و تسهیل پذیرش آنها در تابلوهای بازار سرمایه و همچنین تأمین مالی پروژه‌ها می‌تواند هم به تأمین مالی شرکت‌ها کمک نماید و هم به جذب سرمایه‌گذاران با علایق متفاوت ریسک و بازده کمک نماید. از سوی دیگر تنوع ابزارهای مالی در بازار ما برای حل مسائل تأمین مالی شرکت‌ها نسبتاً کم است و بسیاری از ابزارهای مالی جدید با همان شرایط و ویژگی‌های ابزارهای مالی گذشته از طرف نهاد ناظر تعریف شده و با توجه به خاصیت ریسک کمتر و بازدهی نسبتاً ثابت فعالیت می‌کنند. بنابراین ضروری است به تناسب نیازهای گسترده تأمین مالی شرکت‌ها در بخش‌های مختلف صنعت و کشاورزی، ابزارهای متنوع متناسب با ترجیحات متفاوت ریسک و بازدهی برای افراد سرمایه‌گذار تعریف گردد.

به منظور افزایش کارایی این ابزارها لازم است، نرخ‌های بازدهی این ابزارها افزایش یافته و برای جبران ریسک آنها، امکان حضور سیستم بانکی برای معاملات آنها فراهم شود، در کل بازار سرمایه برای توانمندی لازم در فرآیند جذب سرمایه‌ها نیاز به ابزارهای مالی نوین دارد، بدیهی است این مهم با همکاری و تعامل بیشتر با اندیشمندان اقتصاد اسلامی در زمینه ارائه ابزارهای مالی اسلامی فراهم می‌آید. در جدول ذیل بخشی از اقدامات لازم در جهت ارتباط بازار سرمایه و تولید داخلی اشاره گردیده است:

جدول (۲): اقدامات و نکات مورد توجه در ارتباط بازار سرمایه و تولید داخلی

ارتباط بازار سرمایه و تولید داخلی	
اقدامات مورد نیاز برای ارائه ابزارهای مالی اسلامی جهت جذب سرمایه از طریق بازار سرمایه	موارد مورد توجه در جهت تأمین مالی مناسب (از طریق بازار سرمایه) برای تقویت تولید داخلی
۱. تقویت سازوکارهای نظارتی به منظور جلوگیری از ایجاد حساب‌های قیمتی در بازارهای مالی.	۱. ریسک سرمایه‌گذاری برای برخی بنگاه‌های کوچک و متوسط باعث مشکل تأمین مالی برای آنهاست.
۲. افزایش تعامل با بازار سرمایه بین‌المللی و ارتقای جایگاه بازار سرمایه و تسهیل شرایط برای حضور سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی خارجی در بازار بورس و غیربورس.	۲. توسعه بازار فرابورس و تسهیل ورود شرکت‌ها به بازار سرمایه با گسترش بازارهای دوم، سوم.
۳. مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی با شرکت‌های بیمه داخلی و جذب سرمایه خارجی.	۳. با استفاده از قانون هدفمندی یارانه‌ها از ظرفیت اوراق بهادار اسلامی از جمله صکوک.
۴. گسترش امکان دسترسی به منابع مالی برای بنگاه‌ها از طریق توسعه بازار سرمایه و ابزارهای مالی و...	-

منبع: یافته‌های تحقیق

از سوی دیگر جهت تأثیرگذاری سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در تقویت بخش تولید داخلی علاوه بر حمایت دولت از واحدهای تولیدی، مجموعه عوامل دیگری نیز در راستای سیاست‌های ابلاغی در جهت تقویت تولید داخلی باید مورد توجه قرار گیرد. برخی از عواملی که باید در تقویت تولید داخلی در این راستا مورد توجه قرار داد عبارت است از:

۱. از بین بردن عوامل خارجی بازدارنده ایجاد و توسعه فناوری در بنگاه‌های تولیدی: این عوامل که از خارج بنگاه تولیدی بر آن اعمال می‌گردد، موجب سلب انگیزه برای ایجاد و توسعه فناوری در بنگاه‌ها می‌شود. توجه به زیرساختاری صنایع موجود در کشور: اکثر صنایع کشور، صنایع مونتاژی بوده و در این گروه از صنایع،

- تحقیق و توسعه، بیشتر جزئی و عمدتاً کپی برداری و مهندسی معکوس است و احتمال توسعه در این گروه از صنایع، محدود بوده و اکثراً این صنایع فاقد مراکز تحقیق و توسعه فعال می باشند؛ این در صورتی است که در یک بنگاه تولیدی، از واحد تحقیق و توسعه به عنوان موتور محرکه و قلب بنگاه یاد می گردد.
۲. حرکت به سمت خصوصی سازی صنایع کشور به خصوص صنایع بزرگ: با توجه به اینکه اکثر بنگاه های بزرگ اقتصادی در کشور دولتی است و بقا و تداوم فعالیت این بنگاه ها را سیاست های حمایتی دولتی (انحصار، تعرفه بالا) فراهم می نماید، بنابراین انگیزه برای تحقیق و توسعه و ماندگاری در بازار رقابتی کنونی احساس نمی شود. زیرا ماندگاری این بنگاه ها وابسته به حمایت ها و سیاست های دولتی است نه ایجاد و توسعه توانایی درونی و برای رسیدن به توانمندی در تولید باید این وابستگی از بین برده شود یا کاهش پیدا کند.
۳. واردات کالا و خدمات: وابستگی کشور به واردات کالاها و خدمات، باعث شده است هر گونه تلاش برای توسعه زیرساخت های صنعتی و ارتقای صنایع موجود در کشور و تولید کالا در داخل با خطر جدی مواجه شده و از این رو لازم است در برنامه ریزی برای توسعه تولید و فن آوری تولید در کشور این مسأله مورد توجه جدی قرار گیرد.
۴. حمایت بی برنامه دولت از بنگاه های تولیدی: حمایت های سطحی دولت از واحدهای تولیدی به خصوص واحدهای دانش بنیان به طور خاص و سایر شرکت ها به طور عام، در عدم ارتقاء این شرکت ها تأثیر پذیر است. نحوه حمایت های دولت علاوه بر اینکه واحدهای تولیدی را از کسب توانایی برای رقابت در بازار با تحولات گسترده و سریع دور کرده، موجب شده با گذشت زمان این شرکت ها به حمایت های دولتی وابسته تر شوند به طوری که در اکثر مواقع، بنگاه های تولیدی دوران بلوغ خود را تجربه نمی کنند.
- الزامات مرتبط با ایجاد توانایی تولید بر مبنای کشورها: شرایط برای تولید کالا و خدمات برای اولین بار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته ایجاد کالا ناشی از تحقیقات گسترده و صرف

هزینه‌های بالا می‌باشد. در حالی که ایجاد توانایی در کشورهای در حال توسعه ایجاد کالا ناشی از کپی‌برداری و مهندسی معکوس می‌باشد. هزینه تمام شده برای تولید کالا بالا است (نه به اندازه کشورهای توسعه یافته)، در عین حال این کالا در سالین گذشته توسط کشورهای توسعه یافته تولید شده و در طی زمان بر کیفیت محصول افزوده و قیمت تمام شده آن نیز کاهش یافته است. بنابراین کالای تولیدی کشورهای در حال توسعه که کیفیت بالایی نداشته و قیمت تمام شده آن نسبتاً بالا است، توانایی رقابت با کالای کشورهای توسعه یافته با بازارهای گسترده را ندارد و در نبود سیاست‌های حمایتی کشورهای در حال توسعه، این کالاها توانایی رقابت را نداشته و حذف خواهند شد.

۵. نقش سیاست‌های حمایتی: باید توجه داشت که سیاست‌های حمایتی، بستر ارتقاء و بلوغ واحدهای تولیدی را فراهم نماید و نیز انگیزه ایجاد و توسعه فناوری برای سایر بنگاه‌های تولیدی را ایجاد نماید، اما عمده حمایت‌های انجام گرفته در کشور برای توسعه فناوری واحدهای تولیدی، عمدتاً مالی است که اکثراً این حمایت‌ها برای پوشش ضعف و شکاف کیفی و قیمتی تولیدهای فناورانه می‌باشد و کمتر باعث تقویت توانایی داخلی واحدهای تولیدی شده و با قطع حمایت‌ها به موجودیت و استقلال واحد، آسیب جدی وارد می‌شود.

۲-۴. تأثیر مردمی کردن اقتصاد بر بازار سرمایه

در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همواره یکی از مهم‌ترین رکن‌هایی که می‌تواند باعث شود که اهداف این سیاست‌ها به طور کامل اجرا گردد، مردمی کردن اقتصاد می‌باشد. با توجه به اهمیت سازوکار بازار بورس اوراق بهادار، به عنوان مهم‌ترین شیوه تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی، گسترش حوزه نفوذ بازار سرمایه از جنبه‌های مختلف و ظرفیت مناسبی که این بازار در مردمی کردن اقتصاد می‌تواند داشته باشد، لازم است تدارک سازوکاری برای ورود بیشتر مردم و درگیر شدن مردم با بورس با به کارگیری شیوه‌هایی ذیل صورت گیرد:

۲-۴-۱. افزایش آگاهی و آموزش مردم

آموزش، رکن اساسی تغییر فرهنگ در هر کشور و ابزار ضروری برای توسعه مهارت‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها در راستای تغییر رفتار است. یادگیری که از فرآیند آموزش حاصل می‌شود، در صورتی به عنوان پیش نیاز تغییر فرهنگ قابل توجه خواهد بود که مطابق تعریف آن تغییرات رفتاری مثبت را شامل شود. بدین ترتیب فرهنگ سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه از جمله بورس، در صورتی ایجاد خواهد شد که تجارب نادرست گذشته در اثر فرآیند آموزش به تجارب و رفتارهایی مثبت، سازنده و پایدار تبدیل شود. آموزش‌های مؤثر در این زمینه، آموزش‌هایی است که باعث درک بهتر افراد از مفاهیم مالی، فرصت‌ها و مخاطرات مالی، کارکرد و ارکان بازار سرمایه، فلسفه وجودی سرمایه‌گذاری و کسب مهارت‌های لازم برای انتخاب آگاهانه‌تر خدمات مالی شود. ورود آگاهانه مردم به بازار سرمایه، موجب اصلاح رفتار سهامداران، جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و بهبود عملکرد واسطه‌های مالی شده و این توسعه و رشد اقتصادی در این بازار را به همراه خواهد داشت.

۲-۴-۲. تبلیغات و اطلاع‌رسانی

از دیرباز، تبلیغات (اطلاع‌رسانی) در امر تجارت و کسب‌وکار به عنوان وسیله‌ای جهت ترغیب افراد به خرید محصولات و خدمات، مورد استفاده قرار می‌گرفته و هر روز نقش پررنگ‌تری را در این زمینه نشان داده است. امروزه، تبلیغات (اطلاع‌رسانی) و به عبارتی بهتر اطلاع‌رسانی در حیطه مسائل مالی و سرمایه‌گذاری نیز وارد شده است و از آن به عنوان وسیله‌ای جهت آگاهی افراد از چگونگی سرمایه‌گذاری، مسائل حقوقی، حداقل میزان آن، بازده سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، حداقل بازده مورد انتظار و غیره، استفاده می‌شود. بنابراین، انجام تبلیغات (اطلاع‌رسانی) از طریق وسایل ارتباط جمعی توسط بورس اوراق بهادار می‌تواند عاملی جهت ترغیب شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار و سهام شرکت‌ها قلمداد گردد. بنابراین، انجام تبلیغات (اطلاع‌رسانی) از طریق وسایل ارتباط جمعی توسط بورس اوراق بهادار می‌تواند عاملی جهت ترغیب شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار و سهام شرکت‌ها قلمداد گردد.

۲-۴-۳. ایجاد شعب کارگزاری و باجه‌های بورس در بانک‌ها

بانک‌ها می‌توانند در نقش «شرکت‌های کارگزاری بازار سرمایه»، ضمن کاهش خطر سرمایه‌گذاری، دسترسی شرکت‌ها را به منابع مالی مورد نیاز خود، از طریق بازار سرمایه (بورس) امکان‌پذیر سازند. به این ترتیب، با گسترش فعالیت بانک‌ها در زمینه کارگزاری بازار بورس، می‌توانند از گسترش بازارهای غیررسمی (خارج از بورس) کاسته و انگیزه ورود شرکت‌های فعال بیشتری را به بازار رسمی سرمایه فراهم آورند و با تنوع بخشی سهام شرکت‌ها و جذب بیشتر پس‌اندازکنندگانی با سلیقه‌های مختلف، به توسعه بازار سرمایه کمک نمایند. در واقع، بانک‌ها با ارائه «پنجره خدمات» کارگزاری بورس توسط شعبات خود در مناطقی که بازار رسمی بورس هنوز شکل نگرفته است، می‌توانند زمینه ورود پس‌اندازکنندگان، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های فعال در آن مناطق جغرافیایی را به بازار سرمایه فراهم آورند. در شرایطی که زمینه ایجاد بازار بورس ناحیه‌ای در برخی مناطق فراهم نباشد و یا ایجاد این بازار در آن مناطق، از توجیه اقتصادی کافی برخوردار نباشد، شعب بانک‌ها می‌توانند با تسهیل دسترسی پس‌اندازکنندگان موجود در آن نقاط به بازار بورس اوراق بهادار بازار سرمایه، توسعه جغرافیایی و حوزه نفوذ بازار رسمی سرمایه را امکان‌پذیر سازند. همچنین اگر در شرایطی که انجام این کار توسط شعب بانک‌ها امکان‌پذیر نباشد و یا فعالیت در زمینه بورس، تداخلی در فعالیت‌های بانکی بانک‌ها باشد، بانک‌ها می‌توانند با ایجاد «دفاتر کارگزاری» و یا «اتاق‌های کارگزاری» تحت پوشش خود، در سطح محدودتری، نقش شعب بورس را در توسعه بازار سرمایه ایفا نمایند (نظریور و حقیقی، ۱۳۹۲، صص ۲۳۲-۲۲۹).

۲-۴-۴. در دسترس بودن مکان سرمایه‌گذاری

در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم توسعه کافی و کامل اینترنت و مسائل مربوط به آن و عدم وجود زیرساختارهای مربوط به دادوستد الکترونیکی سهام (همچون تجارت الکترونیک، بانکداری الکترونیک، قوانین حمایت‌کننده و غیره)، سرمایه‌گذاری در سهام و بورس اوراق بهادار به روش سنتی و در محل تالارهای بورس اوراق بهادار صورت می‌گیرد. بنابراین، استقرار تالار بورس اوراق بهادار در مکانی مناسب با

امکاناتی جهت دسترسی آسان اشخاص حقوقی متمایل به سرمایه‌گذاری در بورس می‌تواند به عنوان عاملی پیش برنده و یا بازدارنده در ترغیب اشخاص حقوقی به سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار محسوب گردد (نظرپور و حقیقی، ۱۳۹۲، ص ۹).

۲-۴-۵. فرهنگ سهامداری

وجود فرهنگ انجام یک کار در نزد افراد یک جامعه می‌تواند تا اندازه زیادی در انجام آن کار و پایداری آن در نزد افراد آن جامعه مؤثر باشد. بنابراین، داشتن فرهنگ سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار و سهام شرکت‌ها و اختصاص بخشی از سرمایه‌گذاری خود علاوه بر اموری همچون زمین، مسکن، ماشین و غیره در سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار می‌تواند در ترغیب اشخاص حقوقی به سرمایه‌گذاری در این بخش بسیار کمک کننده باشد. از این نظر، می‌توان داشتن فرهنگ سهامداری را به صورت مشخص، نهادینه بودن لزوم اختصاص بخشی از سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تعریف نمود.

۲-۴-۶. نقش عوامل اقتصادی و سیاسی

بورس اوراق بهادار به عنوان آئینه تمام نمای اقتصاد ملی، به طور مستقیم تأثیرپذیر از عوامل اقتصادی می‌باشد و مطمئناً، عوامل و جریان‌ات اقتصادی بر شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تأثیر می‌گذارند. همچنین عوامل سیاسی به دلیل تأثیرگذاری بر مسائل اقتصادی دارای تأثیر غیرمستقیم بر بورس اوراق بهادار و رونق و رکود آن می‌باشند. بنابراین، جریان‌ات و تحولات سیاسی نیز می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مردم در جهت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار قلمداد گردد (Nia, 2003). بنابراین دستیابی به اهداف اقتصادی هر کشوری بدون مشارکت عمومی افراد آن کشور، امری غیر قابل تصور است. یکی از راه‌های مشارکت افراد در توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و به طور مشخص، بورس اوراق بهادار می‌باشد، چرا که از این طریق پس‌اندازهای کوچک و سرگردان مردم به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی سوق پیدا کرده و چرخ تولید و اقتصاد به حرکت در می‌آید.

۲-۵. تأثیر شفاف‌سازی اقتصاد بر بازار سرمایه

آنچه باعث شکل‌گیری و تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران بازار سرمایه می‌شود، اطلاعاتی است که به نحوی به این بازار مربوط می‌گردند. این اطلاعات می‌تواند شامل هر گونه اطلاعاتی باشد که از منابع مختلف منتشر و به گونه‌ای تغییراتی را در بازار سرمایه به وجود می‌آورند. هر سرمایه‌گذار، بنابر نوع انتظاراتی که بر پایه این اطلاعات، برای خود شکل می‌دهد، نرخ بازده مورد انتظار خود را تعیین نموده و بر همین اساس، جهت انجام معاملات، قیمت‌های پیشنهادی خود را ارائه می‌دهد. بدیهی است که نوسان این اطلاعات و مهم‌تر اینکه، غیر شفاف بودن آنها، باعث عدم شکل‌گیری صحیح انتظارات شده و در نهایت، به شکل‌گیری قیمت‌های کاذب و غیر واقعی در بازار، خواهد انجامید.

سرمایه‌گذاران بازار سرمایه بر اساس بازده‌های مورد انتظار (انتظارات) و میزان ریسک‌پذیری خود، وارد معامله‌ای می‌شوند که هم خریدار و هم فروشنده، قبل از انجام معامله، انتظار کسب سود دارند. به طور قطع، در چنین بازاری، نوع اطلاعاتی که باعث شکل‌گیری انتظارات شده، حائز اهمیت بوده و به طور کلی، وجود اطلاعات ناهمگون آنها، باعث شکل‌گیری سریع معاملات خواهد شد.

در چنین شرایطی، معاملات به گونه‌ای شکل می‌گیرد که پس از انجام معامله، انتظارات قبل از معامله با واقعیتی که بعد از معامله اتفاق می‌افتد، بسیار متفاوت خواهد بود. زیرا همان ناهمگونی اطلاعات باعث گردیده تا روند معامله، غیر شفاف شده و به عبارتی نوعی رانت اطلاعاتی ایجاد خواهد شد. چنین بازاری تنها به نفع سرمایه‌گذارانی عمل خواهد نمود که در معادله نابرابر اطلاعات، به منابع اطلاعاتی خاصی وابسته‌اند و بر پایه همین اطلاعات، وارد بازی برد- باخت سرمایه‌گذاری خواهند شد. چنین بازاری صرفاً انحصاری عمل نموده و برای عده‌ای خاص می‌باشد که نه تنها باعث رونق و توسعه اقتصادی کشور نمی‌شوند، بلکه توزیع غیرعادلانه ثروت و تجمع آن در دست عده‌ای خاص را نتیجه خواهد داد. در این نوع بازار، صنعت و بازار به خدمت رانت‌خواران اطلاعاتی درآمده و نه تنها فلسفه بازار سرمایه محقق نخواهد شد، بلکه

باعث وارد آمدن شوک‌های منفی عمیقی به اقتصاد کشور خواهد شد. از جمله موانع و راهکارهای عدم شفافیت بازار سرمایه ایران را می‌توان در ذیل بیان کرد:

با بررسی بندهای سیاست‌های ابلاغی و استخراج عوامل موثر بر اقتصاد مقاومتی، بخشی عمده‌ای از مهم‌ترین عناصری که در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش دارند، انتخاب گردیده و از روش AHP^۶ جهت معرفی تأثیرگذارترین عامل بر بازار سرمایه از میان اقتصاد دانش‌بنیان بر بازار سرمایه، تأثیر حمایت از تولید داخلی بر بازار سرمایه، تأثیر حمایت همه‌جانبه از نظام مالی بر بازار سرمایه، تأثیر توانمندسازی نیروی انسانی بر بازار سرمایه، تأثیر مردمی کردن بورس بر بازار سرمایه، تأثیر شفاف‌سازی اقتصاد بر بازار سرمایه استفاده کرده تا از نتایج ناشی از این بررسی بتوان در راستای سیاست‌گذاری بخش‌های مختلف اقتصادی با هدایت منابع مالی و سرمایه‌گذاری مناسب و کافی قدم‌های مؤثری در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی برداشت.

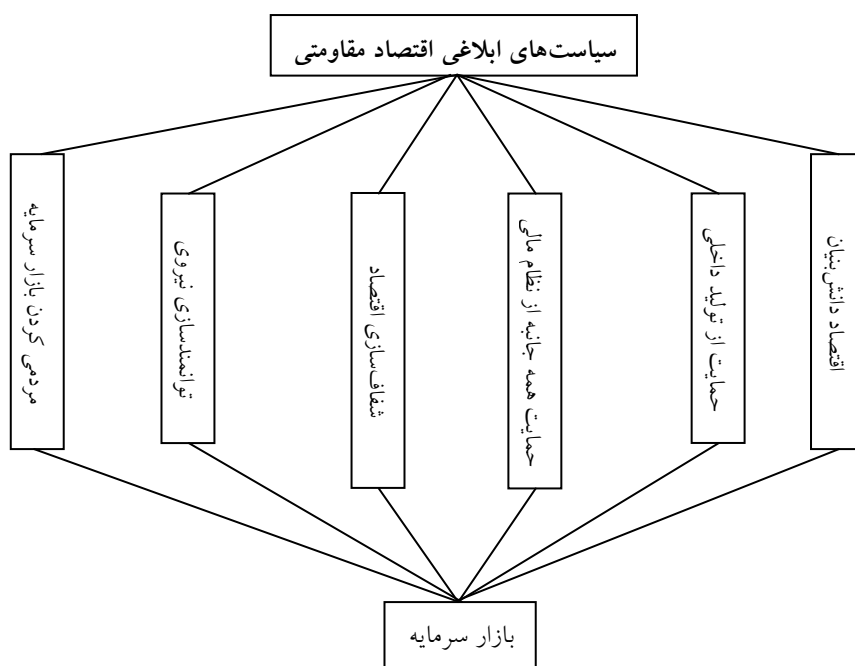
۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش AHP

روش AHP (تحلیل سلسله مراتبی) نشان می‌دهد که چگونه اهمیت نسبی چند فعالیت، گزینه، آلترناتیو و... را در یک مسأله تصمیم‌گیری چندمعیاره تعیین کنیم (مشیری، ۱۳۸۰، ص ۶۴). فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با تجزیه مسائل مشکل و پیچیده، آنها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آنها می‌پردازد (قدسی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۱۱). حل مسأله تصمیم‌گیری با روش AHP، دارای مراحل اساسی به شرح ذیل می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش AHP و با کمک داده‌های میدانی (پرسشنامه‌ای) به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بازار سرمایه پرداخته شده است.

۳-۱. عملیات AHP

گام صفر: ساختن درخت سلسله مراتب تصمیم: با توجه به نمودار ذیل، سطح اول درخت بیان‌کننده هدف تصمیم‌گیری یعنی رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است. سطح میانی درخت مختص به فاکتورهای مؤثر در تصمیم یعنی عوامل مؤثر بر بازار سرمایه است؛ البته منظور از این عوامل در اینجا احتمال ایجاد

عوامل و درجه تأثیرگذاری آنها به طور همزمان است. براساس نتیجه پرسشنامه اول به ترتیب مهم‌ترین عوامل در بازار سرمایه مورد مطالعه به حساب می‌آیند. در سطح آخر نیز گزینه‌های تصمیم‌گیری یعنی بازار سرمایه مورد مقایسه قرار می‌گیرند.



نمودار(۱): درخت سلسله مراتب تصمیم

منبع: یافته‌های تحقیق

از این مرحله به بعد عملیات ریاضی AHP آغاز می‌گردد که عملیات آن در قالب گام‌های ۱ تا ۳ تشریح می‌شوند.

گام اول: انجام مقایسات زوجی: در این گام جدول مقایسه‌ای براساس درخت سلسله مراتبی تهیه می‌شود. برای انجام مقایسه‌های زوجی با استفاده از داده‌های پرسشنامه، نتایج به دست آمده از ۴۸ نفر از اساتید و کارشناسان آشنا به موضوع تحقیق با استفاده از میانگین هندسی ترکیب گردیدند و نتیجه ترکیب مقایسات به صورت ماتریس ۶ در ۶ در ذیل آمده است. عناصر روی قطر اصلی این ماتریس‌ها عدد یک

می باشد که به دلیل معکوس بودن ماتریس ها، اعداد زیر قطر اصلی معکوس اعداد بالای قطر اصلی هستند.

جدول (۳): ماتریس زوجی گروهی بازار سرمایه براساس عوامل مؤثر بر آن

میزان تأثیرگذاری	اقتصاد دانش بنیان	حمایت از تولید داخلی	حمایت همه جانبه از نظام مالی	شفاف سازی اقتصاد	توانمندسازی نیروی انسانی	مردمی کردن بازار سرمایه
اقتصاد دانش بنیان	۱	۰/۸۲	۱/۶۷	۰/۵۲	۱/۹۸	۰/۷۱
حمایت از تولید داخلی	۱/۲۱	۱	۲/۶۵	۰/۸۶	۱/۶۷	۰/۸۰
حمایت همه جانبه از نظام مالی	۰/۵۹	۰/۳۷	۱	۰/۹۸	۱/۱۶	۱/۳۲
شفاف سازی اقتصاد	۱/۹۱	۱/۱۵	۱/۰۱	۱	۱/۲۵	۱/۷۷
توانمندسازی نیروی انسانی	۰/۵۰	۰/۵۹	۰/۸۵	۰/۷۹	۱	۱/۸۵

منبع: یافته های تحقیق

گام دوم: استخراج اولویت ها از ماتریس های مقایسه زوجی گروهی: در جدول ذیل بازار سرمایه براساس معیارهای وقوع و شدت تأثیرگذاری رتبه بندی شده است.

جدول (۴): ماتریس مقایسه زوجی گروهی معیارها

میزان تأثیرگذاری	اقتصاد دانش بنیان	حمایت از تولید داخلی	حمایت همه جانبه از نظام مالی	شفاف سازی اقتصاد	توانمندسازی نیروی انسانی	مردمی کردن بازار سرمایه	ضریب اولویت
اقتصاد دانش بنیان	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۰۹	۰/۱۶
حمایت از تولید داخلی	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۳۳	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۲۰

میزان تأثیرگذاری	اقتصاد دانش‌بنیان	حمایت از تولید داخلی	حمایت همه جانبه از نظام مالی	شفاف‌سازی اقتصاد	توانمندسازی نیروی انسانی	مردمی کردن بازار سرمایه	ضرب اولویت
حمایت همه جانبه از نظام مالی	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۱۳
شفاف‌سازی اقتصاد	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۲۰
توانمندسازی نیروی انسانی	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۲۴	۰/۱۴

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق، رتبه‌بندی عوامل به شرح ذیل خواهد بود:

- ✓ شفاف‌سازی اقتصاد؛
- ✓ حمایت از تولید داخلی؛
- ✓ اقتصاد دانش‌بنیان؛
- ✓ مردمی کردن اقتصاد بر بازار سرمایه؛
- ✓ توانمندسازی اقتصاد مردمی؛
- ✓ حمایت همه جانبه از نظام مالی.

گام سوم: تعیین نرخ سازگاری (C.R): در این گام می‌خواهیم بررسی کنیم که نتایج حاصل از مقایسات زوجی، سازگار بوده و به عبارتی قابل اطمینان هستند، بنابراین در اینجا نرخ سازگاری را محاسبه می‌کنیم. به همین دلیل، مراحل ذیل می‌بایست طی شوند:

الف) اولویت عوامل مؤثر بازار سرمایه (با در نظر گرفتن معیارهای شدت تأثیرگذاری و احتمال وقوع) مشخص شود. این عمل در گام دوم تشریح شد.

ب) برای محاسبه بردار مجموع وزنی (WSV)، بدین منظور می‌بایست مقادیر جدول ۳ در اولویت‌های استخراج شده در جدول ذیل به شرح ذیل ضرب شوند:

جدول (۴): محاسبه بردار مجموع وزنی (wsv)

$wsv = (0/164) (0.715) + (0.164) (.0.16) + (0.164) (0.13) + (0.164) (0.08) + (0.164) (0.1) + (0.164) (0.21) + (0.164) (0.21) = 1.056$
$wsv = (0/203) (1.98) + (0/203) (.0.16) + (0/203) (0.13) + (0/203) (0.05) + (0/203) (0.1) + (0/203) (0.21) + (0/203) (0.21) = 1.30$
$wsv = (0/137) (0.52) + (0/137) (.0.16) + (0/137) (0.13) + (0.137) (0.08) + (0/137) (0.1) + (0/137) (0.21) + (0/137) (0.21) = 0.87$
$wsv = (0/208) (1.67) + (0/208) (.0.16) + (0/208) (0.13) + (0/208) (0.08) + (0.208) (0.1) + (0/208) (0.21) + (0/208) (0.21) = 1.33$
$wsv = (0/141) (0.825) + (0/141) (.0.016) + (0/141) (0.13) + (0/141) (0.08) + (0/141) (0.1) + (0/141) (0.21) + (0/141) (0.21) = 0.89$
$wsv = (0/144) (1) + (0/144) (.0.16) + (0/144) (0.13) + (0/144) (0.08) + (0/144) (0.1) + (0/144) (0.21) + (0/144) (0.21) = 0.92$

منبع: یافته‌های تحقیق

- 6.41
- 6.40
- 6.34
- 6.38
- 6.36
- 6.38

ج) محاسبه بردار سازگاری (C.V)

د) محاسبه مقدار λ_{max} با توجه به اینکه λ_{max} برابر با میانگین C.V است،

بنابراین خواهیم داشت: $\lambda_{max} = 6/36$

ه) محاسبه شاخص سازگاری (C.I): با استفاده از رابطه $C.I = \frac{\lambda_{MAX} - n}{n}$ ،

خواهیم داشت: $C.I = 0/064$

و) محاسبه نرخ سازگاری (C.R): در اینجا به دلیل اینکه تعداد ۶ نوع عامل با

یکدیگر مقایسه می‌شوند، مقدار R.I برابر ۱/۲۴ در نظر می‌گیریم؛ بنابراین با استفاده از

رابطه $C.R = \frac{C.I}{R.I}$ خواهیم داشت: $C.R = 0/05161$

نرخ سازگاری برای مقایسات زوجی عوامل کوچکتر از ۰/۱ شده است، بنابراین در مقایسات سازگاری وجود داشته و می‌توان به نتایج به دست آمده اعتماد نمود. با توجه به تجزیه و تحلیل به روش AHP، به منظور بررسی اولویت اثرگذاری شش مؤلفه (حمایت از تولید داخلی، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت همه جانبه از نظام مالی، مردمی کردن بازار سرمایه، توانمندسازی اقتصاد مردمی، شفاف‌سازی اقتصاد)، با تهیه پرسشنامه و دریافت نظرات کارشناسان و اساتید آشنا به بحث و به کمک روش AHP، با توجه به میزان تأثیرگذاری، مؤلفه‌ها به صورت ذیل رتبه‌بندی می‌گردند:

۱. شفاف‌سازی اقتصاد؛
۲. حمایت از تولید داخلی؛
۳. اقتصاد دانش‌بنیان؛
۴. مردمی کردن بورس؛
۵. توانمندسازی اقتصاد مردمی؛
۶. حمایت همه جانبه از نظام مالی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. اقتصاد دانش‌بنیان امکان رشد و شکوفایی کشور را به صورت پایدار فراهم می‌کند، طوری که این اقتصاد از درون و بر پایه اندیشه و منابع مادی درون کشور تغذیه می‌گردد، و در برابر شوک‌ها و فشارهای بیرونی کمتر دچار مشکل می‌گردد. با توجه به اقتصاد بزرگ و ظرفیت‌های انسانی و مادی کشورمان، همه بنگاه‌ها، بخش‌های اقتصادی و به خصوص دانشگاه‌های کشور، بایستی راه را برای تکیه اقتصاد کشور به دانش و فن‌آوری به جای نفت هموار نمایند، و هر گونه هزینه و سرمایه‌گذاری در این زمینه، موجب پیشرفت و شکوفایی کشور خواهد شد.
۲. در چارچوب اقتصاد مقاومتی و استفاده از بازار سرمایه در جهت حمایت از تولید داخلی، در قالب یک طرح ملی با مدیریت جهادی از سوی مسئولین و عزم ملی از سوی مردم، می‌توان در چارچوب قانون فعلی هدفمندی یارانه‌ها از ظرفیت اوراق بهادار اسلامی از جمله صکوک جهت تأمین مالی استفاده کرد. صکوک ابزار مالی

اسلامی و جایگزین اوراق قرضه بوده و دارنده آن حق مشاعی از دارایی‌ها یا اموال معینی که این اوراق در برابر آن‌ها منتشر شد در اختیار دارد. از این رو با جمع‌آوری یارانه نقدی پرداختی به سرپرستان خانوار و سوق دادن آن به سرمایه‌گذاری از طریق خرید اوراق بهادار اسلامی، می‌توان به حمایت از تولید و ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های اقتصادی پرداخت.

۳. در خصوص شیوه ارتباط بازار سرمایه و اقتصاد مقاومتی با توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی می‌توان نقش آن را این‌گونه بیان کرد که بازار سرمایه در پی بروز و شناخت ناتوانی بازار پول در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، به عنوان گزینه‌ای مؤثر در جهت ایجاد تعادل مورد توجه قرار می‌گیرد. سیاست‌های مالی و اعتباری در ابتدا بازارهای سرمایه را ایجاد کرد و مسأله‌ای به نام «بورس» و «سهام» را به عنوان امری تأثیرگذار، جای خود را در زندگی مردم باز کرد و مردمی که تا آن زمان مازاد نقدینگی خود را در سپرده‌های بانکی نگهداری می‌کردند، کم‌کم نحوه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه را یاد گرفتند.

۴. عوامل مؤثر مختلفی بر جذب سرمایه‌های اشخاص حقیقی در بازار سرمایه تأثیرگذار است که از جمله آن می‌توان به درجه اطمینان، نقدشوندگی، بازدهی، گروه‌های مرجع، فرهنگ سهامداری، تبلیغات، در دسترس بودن مکان سرمایه‌گذاری و عوامل اقتصادی و سیاسی و... اشاره کرد.

۵. با توجه به مشکلات ناشی از عدم شفافیت در بازار سرمایه کشور، جهت شفاف‌سازی این بازار در راستای تأمین منابع مالی لازم جهت بخش‌های مختلف اقتصادی و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی می‌توان راهکارهایی نظیر تدوین و تنظیم قانون جامع بازار سرمایه، اجرای کامل قوانین و مقررات با تأکید بر لزوم شفافیت اطلاعات، ایجاد شرایط رقابتی در بازار، کاهش تصدی‌گرایی دولت در اقتصاد ملی از طریق عرضه سهام شرکت‌های دولتی یا نیمه‌دولتی به بخش خصوصی و با رعایت ضوابط و مقررات و... را تدوین و سیاست‌گذاری نمود.

۶. به منظور بررسی اولویت اثرگذاری شش مؤلفه (حمایت از تولید داخلی، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت همه‌جانبه از نظام مالی، مردمی کردن بورس، توانمندسازی

- اقتصاد مردمی، شفاف‌سازی اقتصاد)، با تهیه پرسشنامه و دریافت نظرات کارشناسان و اساتید آشنا به بحث و به کمک روش AHP، با توجه به میزان تأثیرگذاری، مؤلفه‌ها به صورت «شفاف‌سازی اقتصاد»، «حمایت از تولید داخلی»، «اقتصاد دانش‌بنیان»، «مردمی کردن بورس»، «توانمندسازی اقتصاد مردمی»، «حمایت همه جانبه از نظام مالی» اولویت‌گذاری گردید.
۷. پیشنهاد می‌گردد جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، بایستی تمرکز و هدف‌گذاری نهادها و شرکت‌های دانش‌بنیان در جهت هموارسازی تولیدات اساسی و اصلی کشور به خصوص در مواقع بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی صورت پذیرد.
۸. پیشنهاد می‌گردد جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، بایستی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود و نادیده گرفته شده بازار پول و بیمه کشور در جهت توسعه کمی و کیفی بازار سرمایه و پررنگ شدن نقش آن در اقتصاد کشور، صورت پذیرد.
۹. با توجه به تجربه سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر توانمندسازی در سایر کشورها، پیشنهاد می‌گردد جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، طراحی نظام جامع در ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی توسط نهادهای اجرایی و علمی صورت پذیرد.

یادداشت‌ها

1. Money Market
2. Capital Market
3. Insurance Market
4. Real Sector Economy
5. Financial Sector Economy

کتابنامه

- اسکو، وحید و مهدی سلطانی (۱۳۹۱)، «راهکارهای افزایش مشارکت مردم در بازار سرمایه کشور»، گرگان: کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، دانشگاه جامع علمی - کاربردی استان گلستان.
- راستاد، مهدی (۱۳۸۰)، «توسعه مالی و توسعه اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.

سیدین، سیدسلیمان و رضا قلی پور (۱۳۹۲)، «بازار سرمایه؛ نیروی محرکه توسعه اقتصادی در نظام تأمین مالی کشور»، گرگان: دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، انجمن علمی و حرفه‌ای مدیران و حسابداران گلستان.

صفا، سیدمحمدنیا و غلامرضا صفارزاده (۱۳۹۳)، «عزم ملی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مدیریت جهادی و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی»، رشت: اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، شرکت کارآفرینان دانشگاهی منطقه آزاد انزلی. عبده‌تبریزی، حسین (۱۳۸۳)، «بازار سرمایه؛ نیروی محرک توسعه اقتصادی»، بورس، شماره ۴۵، صص ۲-۶.

عبده‌تبریزی، حسین و میثم رادپور (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات مالی و سرمایه‌گذاری (۲)، تهران: پیشبرد، چاپ اول
عیسوی، محمود (۱۳۸۸)، «ساخت مالی متوازن، ساختی مناسب برای نظام مالی کشور»، معرفت اقتصادی، شماره ۱، صص ۴۹-۸۲.

قدسی‌پور، سیدحسن (۱۳۸۱)، مباحثی در تصمیم‌گیری چندمعیاره: فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چاپ سوم.

کاوند، مجتبی و سیدمحمدجواد فراهانیان (۱۳۹۳)، تبیین جایگاه بازار سرمایه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.

لاتی، مجتبی، زهرا رضائی و اعظم رضائی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی راهکاری جهت توسعه اقتصادی در شرایط تحریم»، بابل: همایش ملی تحلیل راهبردی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در اقتصاد و مدیریت حماسه اقتصادی/اقتصاد مقاومتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

محمدی‌اقدم سعید و محمدحسین قوام (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه علی بین بازار پول و سرمایه جهت مهار تلاطم بازارهای مالی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، تحقیقات مالی اسلامی، شماره ۱۰، صص ۷۵-۱۱۰.

محنت‌فر، یوسف و سیده‌ندا رحیمی (۱۳۹۳)، «سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ در تحقق اقتصاد مقاومتی»، بابل: همایش ملی تحلیل راهبردی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در اقتصاد و مدیریت حماسه اقتصادی/اقتصاد مقاومتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

مشیری، اسماعیل (۱۳۸۰)، «مدل تعدیل شده AHP برای نظرسنجی و تصمیم‌گیری‌های گروهی»، دانش مدیریت، شماره ۵۲، صص ۶۳-۹۲.

مکسول، جی (۱۳۹۰)، فرای، پول، بهره و بانکداری در توسعه اقتصادی، مترجمان: اکبر کمیجانی، محمود مشهدی‌احمد و ناهید پوررستمی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول.

ناجی‌میدانی، علی‌اکبر، سبا مجتهدی و محمدعلی ابوترابی (۱۳۹۲)، «بررسی اثر ساختار بازار سرمایه بر رشد اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصاد ایران»، مشهد: اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب و کار، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.

نظرپور، محمدنقی و میثم حقیقی (۱۳۹۲)، *ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازار سرمایه*، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول.

نظرپور، محمدنقی و یحیی لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، «نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۱، صص ۴۹-۷۰.

هدی، محمد، عباس مهدی و غلامعلی مرادی (۱۳۹۳)، «بررسی نقش بازار سرمایه در توسعه اقتصاد مقاومتی»، رشت: *اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی*، شرکت کارآفرینان دانشگاهی منطقه آزاد انزلی.

Bragues, G. (2014). Has Fritz Machlup Stood the Test of Time? Revisiting his Monetary Analysis of the Stock Market. A Version of this Paper Was Presented at the Third Biennial Wirth Institute Workshop on Austrian Economics Held in Lake Louise, Alberta, Canada, September 14–15, 2012. In *Entangled Political Economy* (pp. 139-160). Emerald Group Publishing Limited.

Briguglio, L., & Piccinino, S. (2012). Growth with Resilience in East Asia and the 2008-2009 Global Recession.

Cuixia, S. (2011). The Analysis of Interaction Between Monetary Market and Capital Market. In *Uncertainty Reasoning and Knowledge Engineering (URKE), 2011 International Conference on* (Vol. 2, pp. 62-65). IEEE.

Shahab, M. R., Delavari, M., & Hashemi, S. A. (2015). Economic Austerity Along With Resistive Economy as Two Actuating Forces in Iran's Economy. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 4(1 (s)), 387.

<http://www.bseindia.com>

**The Effects of Resistance Economy Policies on
the Capital Market with AHP Method**

Mohammad Naghi Nazarpour*

Rohallah Ebadi**

Fateme Binjamali***

Received: 17/04/2017

Accepted: 19/09/2017

In the framework of resistance economy, economic support policies, independence, solidity, complying with local and cultural standards and economic flexibility should be taken into account. As a result, there will be an interaction among different economic sectors based on identifying the internal and external pressures and shocks. Money market together with capital and insurance markets play an important role in financing domestic economy. With regard to the imposed sanctions and the lack of liquidity in the country, robustness of capital market will certainly lead to a robust economy. Among the main tasks of the capital market in the Islamic financial system of the country are suitable allocation of financial resources, reduction in the cost of transactions, acceleration of transactions, increase of the liquidity of assets, facilitating the financing of businesses, fair valuation of business assets based on the supply and demand mechanism, transparency of information and monitoring the performance of businesses. With regard to the difficulties in financing various economic sectors in the country and the direct relation of the capital market with some sections of Resistance Economy Policies and the role of this market in directing limited but efficient capitals to the productive sectors, and facilitating the process of transferring capital to these sectors, this research by adopting a descriptive/analytical method using questionnaire data together with AHP method using the resistance economy indicators has confirmed its hypothesis, i.e. "The capital market can positively and effectively play a role in realizing the objectives of resistance economy.

Keywords: Economic Strength, Capital Market, Communicated Policies, AHP Method

JEL Classification: G20, O16, P49

* Associate Professor, Faculty of Economics and Political Science, Mofid University, (Corresponding Author), nazarpur@mofidu.ac.ir

** Ph.D. Student of Economics, University Research Institute, ebadi.ro@gmail.com

*** Graduated from Islamic Economics, Mofid University, mahrokh.banijamali@gmail.com